نقش مهارت‌هاي ارتباطي بر كارآيي خانوادگي دانشجويان متأهل

خالد اصلاني*

ارتباط و مهارت هاي ارتباطي در زندگي انسان‌ها، به خصوص در زندگي زناشويي، اهميت فراوان دارد و مانند بستري است كه ساير ابعاد زندگي زناشويي را در بر مي گيرد. بنابراين تحقيق حاضر به بررسي نقش مهارت‌هاي ارتباطي در كارآيي خانواده مي‌پردازد. نمونة اين تحقيق 16 زوج (8 زوج گروه آزمايش و 8 زوج گروه گواه) از دانشجويان متأهل دانشگاه تهران ساكن خوابگاه جلال آل احمد است . طرح تحقيق، روش پيش آزمون و پس آزمون با گروه كنترل است . تجزيه و تحلي ل د اده‌ها نشان مي دهد كه فرضيات اين تحقيق همگي با سطح آلفاي $P<0/05$ تاييد شد . بنابراين آموزش مهارت هاي ارتباطي باعث با لا رفتن كارآيي خانواده در مقوله‌هاي حل مشكل، ارتباط، نقش ها، همراهي عاطفي، آميزش عاطفي، كنترل رفتار و عملكرد كلي خانواده شده است.

كليد واژه‌ها: تأهل، دانشجويان، كارآيي خانوادگي، مهارت‌هاي ارتباطي

* دانشجوي دكتراي مشاوره، دانشگاه علامه طباطبايي . <Aslany1356@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تاريخ دريافت مقاله: 1383/7/1 تاريخ پذيرش مقاله: 1383/9/7

مقدمه

نقش خانواده در سلامت رواني افراد و ج امعه به حدي است كه برخي از صاحبنظران مانند اكرمن براي خانواده ماهيت شفادهندگي قائل اند. ناتان اكرمن مي‌گويد: ماهيت شفادهندگي خانواده همگام قوانين اساسي كردار انسان بوده و احتمالاً قدمت آن به اندازه خود خانواده است. شفادهندگي خانواده به عنوان يک پديده طبيعي، شامل كليه فر آيندهايي است كه خود به خود در چارچوب خانواده براي التيام رخ مي دهد. شفادهندگي خانواده دلالت بر تجديد حيات از طريق انس و صميميت دارد (ثنايي، 1375).

همچنين خانواده كانون اصلي حفظ هنجارها، سنتها و ارزش هاي اجتماعي، شالود ة استوار پيوندهاي اجتماعي و روابط خويشاوندي، همچنين كانوني براي بروز و ظهور عواطف انساني و مكاني براي پرورش اجتماعي كودک است.

اولين و مهم‌ترين زيرمنظوم‌ة خانواده زيرمنظومة زن و شوهري است و مطالعات بسياري نشان داده اند كه كيفيت رابطه زن و شوهر، قوي ترين پيش‌بيني‌كنندة رضايت زناشويي است. براي نمونه مي‌توان به آراي گاتمن و ماركمن اشاره كرد.

زوج جوان در آغاز با شماري از وظايف روبه‌رو هستند. زن و شوهر بايد طي فرايند برون سازي متقابل (به معن اي پيدا كردن روال معيني براي مسائل و نكات بسيار ريز زندگي روزمره) به يک رشته مراودات منظم و الگومند برسند؛ در واقع به ساختي براي خانواده خود برسند . ساخت خانواده مجموعة نامرئي از انتظارات عمل كردي است كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

شيوه‌هاي مراوده يا ميان ـ كنش‌هاي اعضاي خانواده را سامان مي دهد. به آن دسته از كانال هاي ارتباطي كه به وفور در يك خانواده شكل مي گيرد الگوهاي ارتباطي گفته مي شود و مجموعه اين الگوها شبكة ارتباطي خانواده را شكل مي دهد (Treholm & Jensen, 1996). خانواده سيستمي است كه عملكرد آن از طريق الگوهاي مراوده اي صورت مي‌گيرد. مراودات يا ميان ـ كنش هاي تكراري، الگوهايي را به وجود مي آورند مبني بر اينكه يک نفر چه طور، چه وقت و با چه كسي رابطه برقرار كند و همين الگوهاي مراوده اي، تارهاي نامرئي توقعات مكملي را ت شكيل مي دهد كه نظم دهندة بسياري از اوضاع و شرايط خانواده است (مينوچين، 1974).

يكي از مشهورترين شعارهاي بسيار ي از برنامه‌هاي نظام‌مند اين است كه «اگر يک ماهي به تو دهم آن را يک روزه مي‌خوري، اما اگر ماهي‌گيري را به تو آموزش دهم، تمام عمرت ماهي خواهي خورد». برنامة ارتباط زناشويي برنامه اي است كه به افراد ماهي‌گيري را آموزش مي‌دهد. هدف برنامة ارتباط زناشويي، ساختن رابطه اي رضايت‌مند به كمك افزايش شايستگي‌هاي بين فردي است. وسيلة دستيابي به اين هدف، يادگيري چارچوب ه اي مفهومي كاربردي (بينش)، مهارت هاي ارتباطي و فرآيندهاي تعاملي است. يادگيري طي رخدادهاى واقعي زندگي و پس‌خوراندها و تعليم گرفتن ـ از آموزش دهنده و مشاركت‌كنندگان در مورد تعاملاتشان ـ شكل مي‌گيرد (oliver & miler, 1994).

استانداردهاي ارتباطي، عقايدي فردي هستند در اين باب كه ارتباط چ ه‌گونه بايد باشد (Baucom, Epstein, sayers & sher, 1989). اگرچه ممكن است در اين ميان تفاوتهاي ظريفي وجود داشته باشد اما در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مجموع، استانداردهاي ارتباطي بسيار شبيه به ايده‌آل‌هاي ارتباطي است (Feltcher & simpson, 1999). هم استانداردهاي ارتباطي و هم ايده آل‌هاي ارتباطي، براي ارزيابي كيفيت هستند تا انتظاراتي چون اين كه ارتباط چه‌گونه بايد باشد (Caughlin, 2003). مفهوم استانداردهاي ارتباطي در باب زوج هاي عقد كرده (Sprecher & metts, 1989., 1999., Feltcher, simpson, Thomas & Geles, 1999) زن و شوهران و خانواده ها منجر به تحقيقاتي بسياري شده است.

مطالعات ديگر نشان داده اند كه همدلي دريافت شده با فراواني توج يه خود و عدم توافق همسر رابطة معكوس دارد و به طور مثبت با استفاده همسر از ا ظهارات روشن كننده احساسات، همچنين بيان‌كنندة حمايت و انتقال دهندة توافق، مرتبط است و همچنين آموزش ارتباط افزايش قابل ملاحضه اي را در درخواست‌هاي جرأت‌آميز در همسران نشان داده است (Epstein & Jackson, 1978).

فرآيندهاي ارتباطي مهارتي و مراقبتي براي حل مسئله ـ حل تعارض و توانايي براي برقراري ارتباط عاطفي موثر، لازم است. هر پيامي دو قسمت دارد: نگرش و رفتار . نگرش ـ احساسي و غير احساسي ـ كه از احساسات و عقايد تركيبي و تنش‌هايي كه فرد تحمل مي‌كند، ناشي مي‌شود. رفتار ـ كلامي و غيركلامي ـ بازتاب و معلول نگرش‌ه اي زير بنايي است . بنابراين پيام هاي مهارتي و غيرمهارتي كه بين زوج مبادله مي شود بازتابي از نگرش زيربنايي آن‌ها نسبت به خود و همسرشان است. زماني كه زوجي براي مشاوره ازدواج اقدام مي‌كنند، معمولاً دو سطح از موضوعات وجود دارد. در قسمت سطحي، انواعي از موضوعات مربوط به خشنودي، چيزهايي كه زوج را نگران مي‌كند، رفتارهاي گذشته كه غيراثربخش و دردناک بوده اند و روش هاي فعلي مرتبط با مشكلات كه ناراحتي و عدم پذيرش را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

گسترش دادند، وجود دارد . مشاورة ازدواج مؤثر بايد به نحوي باشد كه بتواند به روش هاي مختلف با موضوعات ارائه شده همراهي كند و بر آن ها تأكيد كند (oliver & miler, 1994). اما، بعد از كم شدن سطح مشكلات اكثر زوج ها، معمولاً چندين علت ريشة مشكلات آن‌ها را تشكيل مي دهد. يكي از فراگيرترين و بنيادي‌ترين علل اين مشكلات، محتواي يک موضوع نيست بلكه فرآيند برخورد با آن موضوع است. خيلي مهم نيست كه زوج بر سر موضوعي بحث كنند ، بلكه مهم اين است كه آن ها چه‌گونه بر سر اين موضوع بحث مي‌كنند. پژوهش‌هاي اوليور و ميلر اين موضوع را در خصوص زوج‌ها نشان داد كه آن ها سال‌هايي را به علت نداشتن مهارات ارتباطي به صورت ناكارآمد طي كرده اند؛ در حالي كه فكر مي كرده‌اند كه مشكل‌شان مسائل جنسي، مالي يا وابستگ ان باشد. اما در واقع يكي از ريشه هاي مشكلات آن ها ع دم توانايي برقراري ارتباط و هدايت كردن موضوعات به صورت م ؤثر بوده است . هاف و ميلر در 1981 نوشتند كه ازدواج سيستمي ايستا با قوانين ثابت نيست، بلكه سيستمي پويا با روابطي متغير است كه مستلزم صراحت و تعهد مداوم، خلاقيت استفاده از تفاوت‌ها و تعارض‌ها، مذاكره و ب از هم مذاكره در باب قوانين، نقش ها و رشد و آگاهي فردي و زوجي مداوم است (oliver & Miller, 1994).

شرط دوام زندگي زناشويي، رسيدن به توافق از راه برون سازي متقابل و مكمل است . الگوهاي مراوده‌اي بر اساس قراردادهايي نامرئي به وجود مي‌آيد و بر روابط متقابل حاكم م يشود. تخطي از الگوهاي ارتباطي باعث ايجاد احساس بي وفايي در طرف مقابل مي شود. اين الگوهاي ارتباطي در عين مشخص بودن از انعطاف كمي برخوردارند (مينوچين، 1974).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به نظر وان جليس تي تحقيقات بايد تلاش كند تا راه هايي متنوع را آزمايش كند كه در آن نشان دهد كه ارتبا طات چگونه بر رضايت زناشويي تأثير مي‌گذارد. نتايج تحقيق آن ها نشان مي‌دهد كه زماني كه نحوة ارتباطات دو نفر مثل هم نيست، احتمال ايجاد نارضايتي بيش تر مي شود (vangelisti & Alexander, 2000). هم‌چنين تحقيقاتي در اين خصوص كه چه نوع روابطي باعث رضايت بيش تري مي شود، نياز است. تحقيقات نشان مي دهد كساني كه ارتباطاتي باز دارند، تمايل دارند كه خانواده اي داشته باشند كه در آن اعضا داراي ارتباطات باز رضايت مندانه باشند. هم‌چنين اين توضيح دربرگيرندة اين موضوع نيز هست كه افراد متأهل با برقراري رابطة خوب تمايل دارند كه همس رشان داراي رفتارهاي مثبتي باشد تا اين كه ويژگي های شخصيتي مثبت داشته باشد (Miller, Cauglin & Huston, 2000).

در ايران نيز در زمينه ارتباط و الگوهاي ارتباطي بين زن وشوهر پژوهش هاي انجام شده است. در 1380 محسن رسولي پژوهشي در باب الگوهاي ارتباطي زن و شوهران دا نشجوي دانشگاه تهران انجام داد و به اين نتيجه رسيد كه بين الگوهاي ارتباطي زن و شوهران دانشجوي دانشگاه تهران با الگوهاي ارتباطي والدينشان همبستگي قوي وجود دارد. م. مرادي نيز در 1379 نيز پژو هشي تحت عنوان «بررسي آموزش مهارت هاي ارتباطي زناشويي بر رضايت زناشويي» انجام داد و نشان داد كه آموزش مهارت هاي ارتباطي زناشو يي باعث افزايش رضايت زناشويي مي شود. هم‌چنين فاطمه مهدويان در 1376 پژوهشي با نام «بررسي ت أثير آموزش ارتباط بر رضامندي زناشويي و سلامت رواني» انجام داد كه در باب رضامندي زناشويي، افزايش معناداري در نمرة گروه آزمايشي نسبت به گروه گواه و گروه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

درمان‌نما ديده شد.
پژوهش حاضر به بررسي تاثير آموزش مهارت هاي ارتباطي بر كارآيي خانواده مي پردازد، تا تأثير مهارت‌هاي ارتباطي آموخته شده را بر كارآيي خانواده تحت بررسي قرار دهد. بنا بر اين، هدف پژوهشگر اين است كه تأث ير آموزش مهارت هاي ارتباطي را بر كارآيي خانواده آزمون كند .
همچنين اين پژوهش اهداف ذيل را دنبال مي‌كند:
الف) بررسي تأثير آموزش مهارت هاي ارتباطي بر حل مشكل دانشجويان متأهل.
ب) بررسي تأثير آموزش مهارت هاي ارتباطي بر ارتباط دانشجويان متأهل.
ج) بررسي تأثير آم وزش مهارت هاي ارتباطي بر روشن كردن نقش‌هاي مربوط به زن و شوهران دانشجوي متأهل.
د) بررسي تأثير آموزش مهارت هاي ارتباطي بر همراهي عاطفي دانشجويان متأهل.
هـ) بررسي تأثير آموزش مهارت هاي ارتباطي بر آميزش عاطفي دانشجويان متاهل.
و) بررسي ت أثير آموزش مهارت هاي ارتباطي بر نحوة كنترل رفتار دانشجويان متاهل.

1) فرضيه هاي پژوهش

الف) آموزش مهارت‌هاي ارتباطي، كارآيي خانواده را در دانشجويان متاهل افزايش مي‌دهد.
ب) آموزش مهارت هاي ارتباطي در حل مشكل دانشجويان متأهل تأثير مثبت دارد.
ج) آموزش مهارت هاي ارتباطي در ارتباط دانشجويان متأهل تأثير مثبت دارد.
د) آموزش مهارت هاي ارتباطي در روشن كردن نقش‌هاي مربوط به زن و شوهر در دانشجويان متأهل تأثير مثبت دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

هـ) آموزش مهارت‌هاي ارتباطي در همراهي عاطفي دانشجويان متأهل تأثير مثبت دارد.
و) آموزش مهارت هاي ارتباطي در آميزش عاطفي دانشجويان متأهل تأثير مثبت دارد.
ز) آموزش مهارت هاي ارتباطي در نحو ة كنترل رفتار دانشجويان متأهل تأثير مثبت دارد.

2) روش‌شناسي

اين مطالعه يک پژوهش شبه آزمايشي است كه در آن از دو گروه آزمايش و گواه استفاده شده است. چون انتخاب كاملاً تصادفي نمونه از جامعة هدف، امكان‌پذير نيست، ناگزير از روش نمونه گيري هدفمند استفاده مي‌شود. براي كنترل عوامل مزاحم، عمده گروه‌هاي تحت مطالعه (گروه گواه و گروه آزمايش) از نظر متغيرهاي زير معادل شدند: الف) سن ب) تحصيلات ج) مدت ازدواج هـ) تعداد فرزند د) اختلاف سن زن و مرد

بنابراين پژوهش حاضر از نوع پژوهش شبه آزمايشي است كه در آن ضمن دست كاري متغير آزمايشي (آموزش مهارت‌هاي ارتباطي) از پيش آزمون و پس آزمون طبق الگوي زير استفاده شده است. جامعه‌اي كه براي انجام اين پژوهش انتخاب شده است، جامع ة زن و شوهران ساكن در خوابگاه هاي متأهلي دانشگاه ته ران است. همچنين به علت محدوديت‌هاي پژوهش و پژو هش‌گر، در اين پژوهش از روش نمونه گيري در دسترس، هدف مند و داوطلبانه استفاده شد.

براي تجزيه و تحليل داده هاي به دست آمده در اين پژوهش، اطلاعات به دست آمده به دو طريق ارزيابي شد:

الف) آمار توصيفي: براي ترسيم جد اول و نمودارها و به دست آوردن ميانگين ها از آمار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

توصيفي استفاده شد.
ب) آمار استنباطي: تجزيه و تحليل اين بخش به منظور آزمون فرضيه‌هاي پژوهش انجام گرفت. در اين باره هر يک از فرضيه‌هاي هفتگانه از طريق مقايسه ميانگين نمرات گروه هاي آزمايشي و گواه در تست FAD، با استفاده از آزمون t گروه‌هاي مستقل تحت بررسي قرار گرفت.

3) روش اجراي پژوهش

آزمودني‌هاي پژوهش حاضر به اين علت كه نمونة در دسترس و همچنين نمونة داوطلب بودند، سعي در معادل‌سازي آن‌ها شد تا بتوان نتايج پژوهش را با اطمينان بيشتري به تأثير متغير مستقل (آموزش مهارت‌هاي ارتباطي) نسبت داد. ويژگي‌هايي كه به نظر محقق لازم آمد كه معادل سازي شوند، شامل سن، تحصيلات، مدت ازدواج، و تعداد فرزندان بود كه اطلاعات مربوط به معادل سازي ويژگي‌هاي فوق در پي خواهد آمد.
در مقالة اصلي، جلسات آموزشي زوج ها به صورت گروهی، و در 4 جلسة 2ساعته انجام گرفت و براي زوج‌هاي منفرد، 6 جلسة 1/5 ساعته اختصاص يافت. به اين سبب كه اين پژوهش، به شكل گروهي انجام شد، با همان روشي كه در مقالة اصلي آمده بود، شكل گرفت. بعد از انتخاب گروه آزمايش و گواه، از هر دو گروه، پيش‌آزمون به عمل آمد. نكته قابل ذكر اين است كه به جز 4 جلسه‌اي كه آموزش‌ها داده شد، بر طبق منبع اصلي (oliver & Miller, 1994) يک جلسة نيم ساعته براي بستن قرارداد با زوج ها به اين منظور كه قوانين را بشناسند و بدان پايبند باشند، برگزارشد. هر جلسه به مدت دو ساعت انجام شد. محقق حدود يک ساعت از هر جلسه را صرف آموزش مهارت‌ها و تكنيک هاي ذكر شده براي پربارسازي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ارتباطات زناشويي كرد و يک ساعت بعدي را صرف تمرين مهارت‌ها و تكنيک‌هاي آموزش داده شده كرد. فاصلة زماني بين جلسات 15 روز بود و در اين فاصله از زوج‌ها خواسته مي‌شد كه هر روز ساعتي را صرف تمرين آموزش ارائه داده شده كنند. بعد از اتمام جلسات، از هر دو گروه پس آزمون به عمل آمد. براي تشكر از زوج هاي شركت‌كننده در اين برنامه كارت پستالي به رسم يادبود به آن‌ها اهدا شد.

در مرحلة بعد با استفاده از آزمون t به تجزيه و تحليل استنباطي فرضيه هاي پژوهش پرداخته شد. در اين قسمت، محقق ابتدا نمره هاي پيش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمايشي را در خرده مقياس هاي مختلف محاسبه كرده و سپس نمره هاي پيش‌آزمون و پس‌آزمون اين گروه را از هم كم كرده و نمرة تفاضل آن‌ها را محاسبه كرد. براي گروه گواه نيز اين فرايند اجرا شد و در نتيجه دو دسته نمره به دست آمد. در ادامة كار، براي نمره هاي به دست آمده (يعني تفاضل نمره هاي پيش‌آزمون و پس آزمون گروه آزمايشي و همچنين گروه گواه) آزمون t محاسبه شد كه نتايج اين محاسبات در ادامه خواهد آمد.

4) ابزار سنجش

ابزار به كار رفته در اين پژوهش تست "سنجش خانواده" است كه به همت ناتان بي. اپشتاين، لارنس ام. بالدوين و دوان اس. بيشاب تهيه شده است و هدف آن سنجيدن عمل كرد خانواده بر اساس الگوي مک مستر است. اين الگو خصوصيات ساختاري، شغلي و تعاملي خانواده را معين مي‌سازد و شش بُعد از عملكرد خانواده را مشخص مي‌كند. اين ابعاد از اين قرارند:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

4-1) حل مشكل

عبارت است از توانايي خانواده براي حل مسئله به گونه‌اي كه تعاملات م ؤثر خانواده استمرار يابد . سؤالاتي كه خرده مقياس حل مشكل را در تست "ابزار سنجش خانواده" اندازه مي گيرند، عبارتند از: 2، 12، 24، 38، 50، 60، كه در كل 6 سؤال است.

4-2) نقش‌ها

عبارت است از الگوهاي تكراري از رفت ارها كه افراد به وسيله آنها كنش هاي خانواده را تحقق مي‌بخشند. سوالاتي كه خرده مقياس ارتباط را در تست "ابزار سنجش خانواده " اندازه مي گيرند، عبارتند از: 3، 14، 18، 29، 43، 52، 59، و در كل 7 سوال است.

4-3) همراهي عاطفي

به درجه و كيفيت علاقه و نگراني ا عضاي خانواده نسبت به هم گفته مي شود. سؤالاتي كه خرده مقياسِ نقش‌ها را در تست "ابزار سنجش خانواده " اندازه مي‌گيرند، عبارتند از: 4، 10، 15، 23، 30، 34، 40، 45، 53، كه در كل 9 سؤال است.

4-4) ارتباط

يعني خانواده چه‌گونه اطلاعات را مبادله مي كند. پژوهشگران و نويسندگان ارتباط را به دو بخش كلامي و غير كلامي تقس يم كرده اند. سؤالاتي كه خرده‌مقياس همراهي عاطفي را در تست "ابزار سنجش خانواده" اندازه مي‌گيرند، عبارتند از:5، 9، 19، 28، 35، 39، 49، 57، و در كل 8 سؤال است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

4-5) آميزش عاطفي

به ميزان مشاركت و همكاري اعضا در خانواده گفته مي‌شود. سؤالاتي كه خرده مقياس آميزش عاطفي را در تست "ابزار سنجش خانواده " اندازه مي گيرند، عبارتند از :13، 21، 22، 25، 33، 37، 42، 54، كه در كل 8 سؤال است.

4-6) كنترل رفتار

الگويي است كه خانواده براي اداره كردن رفتار در سه موقعيت (جسماني، رواني ـ زيستي، اجتماعي) اتخاذ مي‌كند. سؤالاتي كه خرده مقياس كنترل رفتار را در تست "ابزار سنجش خانواده " اندازه مي‌گيرند، عبارتند از :1، 6، 8، 11، 16، 20، 26، 31، 36، 41، 49، 51، 56، كه در كل 13 سوال است.

لذا تست "سنجش خانواده " متناسب با اين شش بُعد، از شش خرده مقياس براي سنجيدن آن ها، به علاوه يک خرده مقياس ديگرِ مرتبط با عملكرد كلي خانواده تشكيل شده است . يک مقياس درجه بندي باليني هم وجود دارد كه مشاوران و متخصصان باليني از آن براي س نجيدن عملكرد خانواد ه استفاده مي‌كنند (ثنايي، 1379).

5) اعتبار و روايي آزمون

5-1) اعتبار

ميرعنايت در پژوهش خود در 1378 با نام "مقايسة سلامت عمومي دانشجويان مجرد و مت أهل 20-30 ساله شهرستان خميني شهر "، ضرايب آلفاي خرده مقياس ابزار سنجش خانواده را از 0/72 تا 0/92 به دست آورد كه از همساني دروني نسبتاً خوبي برخوردار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

است. ضرايب اعتبار (هماهنگي دروني) و مشخصه هاي آماري توزيع نمرات 50 دانشجوي ايراني شركت‌كننده در مطالعه، در خرده مقياس‌هاي تشكيل دهندة پرسش‌نامه عملكرد خانواده در جدول شماره 1 آمده است.

جدول 1: مشخصه‌هاي آماري دانشجويان در خرده مقياس‌هاي عملكرد خانواده

محتواي خرده مقياس	ضريت α كرونباخ	ميانگين	انحراف استاندارد
حل مشكل	0/6329	15/08	2/914
ارتباط	0/6329	14/60	3/057
نقش ها	0/4880	22/58	3/208
همراهي عاطفي	0/5614	17/80	3/130
آميزش عاطفي	0/7455	18/70	4/181
كنترل رفتار	0/5980	20/56	3/570
عملكرد كلي	0/7444	28/94	5/061

ضرايب آلفاي كل مقياس و خرده مقياس هاي حل مشكل، ارتباط، نقش ها، همراهي عاطفي، آميزش عاطفي، كنترل رفتار و عمل كرد كلي در پژوهش اميني (1379) به ترتيب 0/92، 0/61، 0/38، 0/72، 0/64، 0/65، 0/61 و 0/81 گزارش شده است. در پژوهش رضايي (1378) همين ضرايب آلفا براي كل مقياس و خرده مقياس هاي آن به ترتيب 0/91، 0/66، 0/67، 0/63، 0/42، 0/61، 0/38 و 0/73 گزارش شده است.

5-2) روايي

اگر خرده مقياس عملكرد كلي را از تجزيه و تحليل‌ها خارج كنيم شش خرده مقياس ديگر اين ابزار نسبتاً از استقلال برخوردارند. "ابزار سنجش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

خانواده" داراي روايي همزمان و پيش بيني است. اين ابزار در يک مطالعه مستقل بر 178 زوج حدوداً شصت ساله، با مقياس "زناشويي لاک ـ والاس"، همبستگي متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبي براي پيش‌بيني نمرات مقياس "روحيۀ سالمندي فيلادلفيا" نشان داده است. به علاوه اين ابزار با قدرت متمايزسازي اعضاي خانواده هاي باليني و غيرباليني، در هر ه فت خرده مقياس خود داراي روايي خوبي براي گروه هاي شناخته شده است. اين پژوهش در ايران انجام شده است (ثنايي، 1379). نجاريان در 1374 در پژوهشي با عنوا ن "بررسي ويژگي‌هاي روان‌سنجي مقياس سنجش خانواده" که روي 510 دانشجوي دانشگاه تهران انجام داد، اعتبار اين آزمون را 0/93 گزارش نمود که درسطح P<0/001، معني‌دار است. وي هم‌چنين به منظور بررسي روايي اين آزمون از روش تحليل عاملي استفاده کرد.

6) تجزيه و تحليل نتايج

در اين پژوهش آزمودن يها بر اساس سن معادل سازي شدند. چرا ک ه سن، متغير بسيار مهمي است که مي‌تواند بر نتيجه پژوهش اثر بگذارد.

در انجام معادل سازي سن برا ي آزمودني ها، به اين علت که آزمودني ها، زوج (زن و شوهر) بودند، در نتيجه محقق براي انجام همتا سازي با محدوديت روبه‌رو بود ولي به هر حال نهايت تلاش اين بود که گروه ها تا حد امکان از لحاظ سني مثل هم باشند. تعداد افراد گروه آزمايش و گروه گواه در سنين مختلف تقريباً يکسان است. به طور کلي ميانگين سن افراد در گروه گواه 28 سال و افراد گروه آزمايش 29 سال بود.

دومين ويژگي اي که آزمودني هاي شرکت‌کننده در اين پژوهش بر اساس آن معادل سازي شدند، وضيعت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تحصيلات و سطح سواد آن ها بود. مطلبي كه اين جا لازم است بيان شود اين است: به علت اين كه آزمودني‌هاي شركت‌كننده در اين پژوهش از خواب گاه و از طبق ة دانشجو انتخاب شده بودند. همگي (به جز چند زوج كه در خانواده آن ها يكي از زوج ها تحصيلات دانشگاهي داشت) داراي سطح تحصيلات عاليه بودند.

تفاوت‌هاي دو گروه آزمايش و كنترل از لحاظ تحصيلات آن‌قدر زياد نبود كه بتواند بر نتيج ة پژوهش تأثير بگذارد.

سومين ويژگي‌اي كه آزمودني‌هاي شركت‌كننده در اين پژوهش براساس آن معادل سازي شدند، ميزان سال هاي تأهل بود. به نظر مي‌رسد اين ويژگي تأثير مهمي بر ارتباط زناشويي داشته باشد. بر طبق پايه‌هاي نظري پژوهش، زن و شوهر به مرور زمان با الگوهاي ارتباطي همديگر بيشتر آشنا مي‌شوند و اين آشنايي با الگوهاي ارتباطي همديگر، كمك مي‌كند تا بيشتر همديگر را درك كنند و در نتيجه بهتر بتوانند با هم ارتباط برقرار كنند. هم‌چنين الگوهاي ارتباطي منحصر به فرد زوج‌ها به مرور زمان و بسته به نوع تعاملات آن‌ها شكل مي‌گيرد.

ويژگي ديگري كه آزمودني هاي پژوهش حاضر بر اساس آن معادل سازي شده اند، تعداد فرزندان هر زوج بود. وجود فرزند باعث تغييرات بسيار ي در ارتباطات زناشويي مي‌شود. با تغيير الگوي روابط دوتايي به سه‌تايي تغييرات بسيار زيادي در روابط همسران نيز به وجود مي‌آيد. اين روند مي‌تواند در جهت منفي يا مثبت باشد. اگر همسران يک رديف مسائل حل نشده داشته باشند، كه ايجاد تعارض كند وارد شدن فرزند به ارتباط زناشويي ممكن است باعث دور شدن زن و شوهر از همديگر شود.

تفاوت سن زن و شوهر از ديگر متغيرهايي بود كه براساس آن تلاش شد دو گروه گواه و آزمايش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

معادل‌سازي شوند، زيرا تفاوت سني زن و شوهر عامل بسيار موثري در نحوة ارتباطات زن و شوهر است. به منظور بررسي معني دار بودن تفاوت بين دو ميانگين، آزمون t براي گروه هاي مستقل به كار گرفته شد. براي اين كار ابتدا تفاضل پيش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمايش محاسبه شد و سپس تفاضل پيش‌آزمون و پس‌آزمون گروه كنترل نيز محاسبه شد. در ادامة كار، آزمون t براي تفاضل هاي به دست آمده از گروه گواه و گروه آزمايش اجرا شد كه به ترتيب براي هر كدام از فرضيات پژوهش توضيح داده خواهد شد.

6-1) آموزش مهارتهاي ارتباطي موجب افزايش كارآيي زوجها در خانواده مي‌شود

جدول 2: معني‌دار بودن تفاضل بين‌گروه‌هاي آزمايشي و كنترل در خرده مقياس عملكرد كلي خانواده

	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	α	df	t (م)	t (ب)
آزمايشي	16	-2/09	1/17	0/05	30	3/67	2/042
كنترل	16	-0/73	0/94				

با توجه به جدول 2، چون مقدار t محاسبه شده (3/67) از مقدار t بحراني (2/13) بزرگتر است، بنابراين با سطح آلفاي $P<0/05$ فرض صفر رد مي‌شود و اين نتيجه مي شود كه آموزش ها باعث تفاوت معني‌داري در نمرات كسب شده در خرده‌مقياس عملكرد كلي خانوادة گروه آزمايش، شده است و نمرات گروه آزمايشي به طور معني داري بيش‌تر از گروه گواه است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

6-2) آموزش مهارت‌هاي ارتباطي بر حل مشكل زوج ها تأثير مي‌گذارد

جدول 3: معني‌دار بودن تفاضل بين گروه‌هاي آزمايشي و كنترل در خرده مقياس حل مشكل

	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	α	df	t (م)	t (ب)
آزمايشي	16	-3/08	1/20	0/05	30	5/81	2/042
كنترل	16	-0/93	0/92				

با توجه به جدول 3، چون مقدار t محاسبه شده (5/81) از مقدار t بحراني (2/13) بزرگتر است، بنابراين با سطح آلفاي P<0/05 فرض صفر رد مي‌شود و نتيجه اين مي‌شود كه آموزش‌ها باعث تفاوت معني‌داري در نمرات كسب شده در خرده مقياس حل مشكل گروه آزمايش شده اند و نمرات گروه آزمايشي به طور معني‌داري بيشتر از گروه گواه است.

6-3) آموزش مهارت‌هاي ارتباطي بر ارتباط همسران تأثير مي‌گذارد

جدول 4: معني‌دار بودن تفاضل بين گروه‌هاي آزمايشي و كنترل در خرده مقياس ارتباط

	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	α	df	t (م)	t (ب)
آزمايشي	16	-3/24	1/38	0/05	30	4/97	2/042
كنترل	16	-1/2	0/89				

با توجه به جدول 4، چون مقدار t محاسبه شده (4/97) از مقدار t بحراني (2/13) بزرگتر است، بنابراين با سطح آلفاي P<0/05 فرض صفر رد مي‌شود و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اين نتيجه مي شود كه آموزش ها باعث تفاوت معني‌داري در نمرات كسب شده در خرده مقياس ارتباط گروه آزمايش شده اند و نمرات گروه آزمايشي به طور معني داري بيش‌تر از گروه گواه است.

6-4) آموزش مهارت‌هاي ارتباطي در روشن كردن نقش هر يك از زن و شوهر تأثير مي‌گذارد

جدول 5: معني‌دار بودن تفاضل بين گروه‌هاي آزمايشي و كنترل در خرده مقياس نقش‌ها

	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	α	df	t (م)	t (ب)
آزمايشي	16	-2/8	1/14	0/05	30	4/97	2/042
كنترل	16	-1/07	0/8				

با توجه به جدول 5، چون مقدار t محاسبه شده (4/97) از مقدار t بحراني (2/13) بزرگتر است، بنابراين با سطح آلفاي $P<0/05$ فرض صفر رد مي‌شود و اين نتيجه مي شود كه آموزش ها باعث تفاوت معني‌داري در نمرات كسب شده در خرده مقياس نقش‌ها گروه آزمايش شده اند و نمرات گروه آزمايشي به طور معني‌داري بيشتر از گروه گواه است.

6-5) آموزش مهارت‌هاي ارتباطي بر همراهي عاطفي زوج‌ها تأثير مي‌گذارد

جدول 6: معني‌دار بودن تفاضل بين گروه‌هاي آزمايشي و كنترل در خرده مقياس همراهي عاطفي

	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	α	df	t (م)	t (ب)
آزمايشي	16	-2/63	1/18	0/05	30	4/4	2/042

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

کنترل	16	-0/87	1/11				

با توجه به جدول 6، چون مقدار t محاسبه شده (4/4) از مقدار t بحراني (2/13) بزرگتر است، بنابراين با سطح آلفاي P<0/05 فرض صفر رد مي‌شود و اين نتيجه مي شود كه آموزش ها باعث تفاوت معني‌داري در نمرات كسب شده در خرده مقي اس همراهي عاطفي گروه آزمايش شده اند و نمرات گروه آزمايشي به طور معني داري بيش‌تر از گروه گواه است.

6-6) آموزش مهارت هاي ارتباطي بر آميزش عاطفي زوج‌ها تأثير مي‌گذارد

جدول 7: معني‌دار بودن تفاضل بين گروه‌هاي آزمايشي و كنترل در خرده مقياس آميزش عاطفي

	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	α	df	t (م)	t (ب)
آزمايشي	16	-2/09	1/17	0/05	30	3/67	2/042
كنترل	16	-0/73	0/94				

با توجه به جدول 7، چون مقدار t محاسبه شده (3/67) از مقدار t بحراني (2/13) بزرگتر است، بنابراين با سطح آلفاي P<0/05 فرض صفر رد مي‌شود و اين نتيجه مي شود كه آموزش ها باعث تفاوت معني‌داري در نمرات كسب شده در خرده مقياس آميزش عاطفي گروه آزمايش شده اند و نمرات گروه آزمايشي به طور معني‌داري بيشتر از گروه گواه است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

6-7) آموزش مهارت هاي ارتباطي در نحوة كنترل رفتار زوج تأثير مي‌گذارد

جدول 8: معني‌دار بودن تفاضل بين گروه‌هاي آزمايشي و كنترل در خرده مقياس كنترل رفتار

	تعداد	ميانگين	انحراف استاندارد	α	df	t (م)	t (ب)
آزمايشي	16	-3/12	1/29	0/05	30	4/02	2/042
كنترل	16	-1/39	1/15				

با توجه به جدول 8، چون مقدار t محاسبه شده (4/02) از مقدار t بحراني (2/13) بزرگتر است، بنابراين با سطح آلفاي P<0/05 فرض صفر رد مي‌شود و اين نتيجه مي‌شود كه آموزش‌ها باعث تفاوت معني‌داري در نمرات كسب شده در خرده مقياس كنترل رفتار گروه آزمايش شده‌اند و نمرات گروه آزمايشي به طور معني‌داري بيشتر از گروه گواه است.

7) بحث و نتيجه‌گيري

در اين تحقيق نقش مهارت هاي ارتباطي در كارآيي خانوادگي دانشجويان متأهل بررسي شد و نتايج نشان داد كه آموزش مهارتهاي ارتباطي باعث افزايش كارآيي خانوادگي دانشجويان متأهل شده است نتايج اين تحقيق با نتايج تحقيقات مك كردي و پاولينو در 1978 (Goldenberg & Goldenberg, 1996)؛ باس (Boss, 1983)؛ اسكينر (Skinner, 1974)؛ بولت، (1970)؛ الي، گورني و استور (1973)؛ لدرر و جكسون (1968)؛ ولز، فيگورل، مك نيمي (1975)؛ راش، باري، هارتل و سوين در 1974، (Epstein & Jackson, 1974) همسو است.

فرضية اول چيزي است كه به عنوان يک فرض نظري از مهارت هاي ارتباطي به كار مي رود. مينوچين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

(1974) مي‌گويد يک خانوادة مؤثر خانواده اي است که در آن زن و شوهر باره ا و بارها با همديگر بحث و مذاکره کنند و الگوهاي ارتباطي‌شان از اين بحث‌ها و مذاکره ها شکل گيرد؛ که در اين صورت داشتن الگوهاي کارآمد و م ؤثر مي‌توانند يکي از عامل‌هاي مهم در بالا رفتن کارآيي خانوادگي يک زوج شود.

نتايج به دست آمده در خصوص فرضية دوم را مي‌توان به آموزش شيوة 8 مرحله‌اي حل مشکل نسبت داد. چرا که زوج‌ها مي‌توانند با بررسي مشکلات، به طور م ؤثرتري آن را حل کنند. به هر حال در زندگي روزمره، هر آن ممکن است براي زن و شوهر مشکلاتي پيش بيايد. به قول گاتمن بروز مشکل مهم نيست، بلکه مه‌م اين است که زن و شوهر چ ه‌گونه بتوانند با مسئله کنار بيايند (Gottman, 1994).

در خصوص فرضية سوم مي توان گفت که چون موضوع اصلي آموزش داده شده، دربارة ارتباط است، و چون زوج‌ها اطلاعات بيش‌تري در باب ارتباط، مولفه هاي آن و نحو ة برقراري ارتباط م ؤثرتر، به دست آورده اند، مي‌توانند در آين‌ده به طور موثرتري در خصوص ارتباط خودشان کار کنند.

دربارة فرضية چهارم (نقش‌ها) مي‌توان گفت که نقش در خانواده، به مجموعه‌اي از وظايف اطلاق مي‌شود که اعضاي خانواده از يک عضو انتظار دارند مشخص کردن نقش فرد و انجام بهتر آن به کمك بحث و مذاکره به وجود مي‌آيد. يکي از پايه هاي نظري اين تحقيق در نظريه‌هاي «خانواده درماني سيستمي»، اين است که زن و شوهر به مرور زمان و با مذاکره و مباحثه بي‌شماري که انجام مي دهند، يک گروه نقش هايي را تعيين کرده و به ايفاي آن ها مي پردازند. وجود مهارت‌هاي ارتباطي به همسران کمک کرده است تا اين هدفگذاري و ايفاي نقش ها را به نحو مؤثري انجام

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دهند، كه تأييد اين فرضيه در راستاي پايه‌هاي نظري تحقيق است.

در توجيه نتايج به دست آمده از فرضية پنجم، اين نظريه مطرح مي‌شود كه برقراري ارتباط درست و صحيح صميميت عاطفي و هيجاني زوج ها را افزايش مي دهد. اگر زوجي بتوانند با روش درست با هم ارتباط برقرار كنند، نه تنها ارتباطات مؤثري با هم پيدا مي‌كنند، بلكه صميميت بين آن ها را نيز افزايش مي‌يابد. ازطرفي افزايش صميميت و همراهي عاطفي زن و شوهر، حساسيت آن‌ها را نسبت به هم بالا مي‌برد و در نتيجه باعث مي شود آم‌يزش عاطفي آن ها نيز بالا رود.

نكته‌اي كه در فرضيه ششم مطرح شده يكي از پايه‌هاي نظري اين تحقيق است كه صميمت باعث افزايش ارتباط موثر و ارتباط موثر به نوبه خود صميميت را افزايش مي‌دهد. اگر زوجين بتوانند اين ايده نظري را پياده كنند كه بررسي و حل مشكلات را به عنوان راهي براي در كنار هم بودن و صميم‌يت تلقي كنند مسلماً هم در حوزة حل مشكل و هم در حوزة همراهي عاطفي و آميزش عاطفي. كارآيي م‌ؤثرتري خواهند داشت.

در توجيه نتايج به دست آمده از فرضية هفتم ـ خرده مقياس كنت رل رفتار ـ نيز همسراني كه مهارت‌هاي ارتباطي بهتري دا شته باشند مي توانند با استفاده از همين مهارت هاي ارتباطي براي كنترل رفتارهاي خود و همسرشان قدم هاي موثري بردارند. اين كه زوج ها تا چه حد بتوانند انتظارات خودشان را از همسرشان بيان كنند، به همان ميزان هم مي توانند در كنترل رفتارهاي نامطلوب همسرشان و بهبودي رفتارهاي آن ها موفق عمل كنند.

مك كردي و پاولينو در باب گرايشات اخير در ازدواج‌درماني وطلاق درماني، آموزش ارتباط را به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

عنوان يک مداخلة اولية مؤثر بر مشكلات زناشويي خفيف تا متوسط، پيشنهاد كردند.

در سال‌هاي اخير، درمان‌هاي اختلاف زناشويي، با اين انتظار كه چن ين تغييرات رفتاري با افزايش رضامندي زناشويي ارتباط دارد، غالباً براي ترويج ارتباط روشن بين زن و شوهر طرح ريزي شده اند (Epstein & Jackson, 1978).

باركر در 1986 در اين باره اين گونه اظهار مي‌دارد كه ارتباط هاي روشن، برخلاف ارتباطات پوشيده، عموماً مطلوب هستند؛ حال آن كه ارتباطات پوشيده كه مبهم، فريبنده و يا سردرگم كننده هستند، احتمال گيجي و تحريف شدن از سوي گيرنده را افزايش مي‌دهند و به اضطراب مي‌انجامند. اهميت ارتباط روشن بين همسران از طرف باس نيز ت أكيد شده است و توسط اسكينر در 1982 به مثابة يكي از عمل‌كردهاي سالم خانواده از گورمن و كينسكرن نقل قول شده است.

هم‌چنين اسكمل در 1990، وضوح بيان را به عنوان يكي از مهارت‌هاي ارتباطي معرفي كرده است؛ راش، باري، هارتل و سوين خاطر نشان كرده‌اند هنگامي كه زن و شوهر در يک رابط ة نزديک مي‌خواهند نيازهايشان را ارضا كنند، تع ارض غيرقابل اجتناب است. آن‌ها استدلال مي‌كنند كه ارتباط روشن لازم ة حل تعارض است؛ هرچند كه ممكن است ارتباط ضعيف يكي از نتايج تعارض زناشويي باشد. فقدان مبادلة اطلاعات ممكن است خودش حل اختلافات و تنش هاي بين فردي را به ت أخير اندازد. احتمال دارد كه ارتباط ضعيف و نارضايتي زناشويي همديگر را تقويت كنند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع
References

1. بارکر، فیلیپ (1986). **خانواده درماني پايه**. مترجمان : محسن دهقاني و زهره دهقاني . تهران: انتشارات رشد.
2. ثنايي، باقر (1375). **ازدواج: انگيزه ها، پرتگاهها و سلامت آن**، پژوهش هاي تربيتي، جلد 3 و 4.
3. رسولي، محسن (1380). **رابطة بين الگوهاي ارتباطي زن و شوهران دانشجوي دانشگاه تهران و الگوهاي ارتباطي والدين آن ها**. پايان‌نامه كارشناسي ارشد رشته مشاوره . دانشگاه تربيت معلم.
4. مينوچين، س . (1974). **خانواده و خانواده درماني** . مترجم : ثنايي، باقر . تهران : انتشارات اميركبير.
5. م رادي، م. (1379). **بررسي تأثير آموزش مهارتهاي ارتباط زناشويي بر رضايت زناشويي**. پايان نام ة كارشناسي ارشد ، رشته مشاوره دانشگاه الزهرا.
6. مهدويان، فاطمه (1376). **بررسي تأثير آموزش ارتباط زناشويي و سلامت رواني** ، پايان نام ة كارشناسي ارشد ، رشته روان شناسي باليني . انستيتو روان پزشكي تهران.

7. Baucom, D. H., Epstein, N., Sayers, S. & Sher, T. G. (1989). **"The role of cognitions in marital relationships: Definitional, Methodological, and Conceptual issues."** Journal of Consulting and Clinical Psychology. 57, 31- 38.
8. Boss, P. G. (1983). **"The marital relationship: boundaries and ambiguities"**. In H. I. Mc Cubbin & C. R. Figley (Eds), stress and the family: Vol. 1.
9. Caughlin, J. P. (2003). **"Family communication standards: what counts as Excellent Family Communication and how are such standards associated with family satisfaction?."** Journal of Human Communication Research.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

Vol. 29, no. 1, January 2003, 5- 40.

10. Epstein, N. & Jackson, E. (1978). **"An outcome study of short term communication training with married couples."** Journal of conseling and clinical psychology, 46, 207- 212.
11. Feltcher, G. J. O. & Simpson, J. A. (2001) **"Ideal standards in close relationships".** New York: Cambridge University Press.
12. Feltcher, G. J. O. & Simpson, J. A., Thomas, G., & Geles, L. (1999). **"Ideals in Intimate Relationships."** Journal of Personality and Social Psychology, 76, 72- 89.
13. Glenn, N. D., Weaver, C. N. (1981). **"The contribution of marital happiness to global happiness."** Journal of marriage and the family, 43, 161- 168.
14. Goldenberg, I. & Goldenberg, H. (1996). **"Family therapy: an overview books".** Cole Publishing Company.
15. Gottman, J. (1994). **"What predicts divorce?"** Hillsdale. N. J: Erlbaum.
16. Hartley, P. (1999). **"Interpersonal communication"**. Second Edition. London & New York: Routlidge.
17. Hoff, L. & Miller, W. R. (1981). **"Marriage enrichment philosophy, process & program".** Bowie, MD: Robert, J. Brady Company.
18. Markman, H. J. (1984). **"The longitudinal study of couples interactions: implication for understanding and predicting the development of marital distress."** Pp. 253- 281. New York: Gulford Press.
19. Miller, P. J., Caughlin, J. P. & Huston, T. L. (2002). **"Triat expressiveness and marital satisfaction".** Manuscript submitted for publication.
20. Oliver, J. & miller, SH. (1994). **"Couple communication."** Journal of psychology & Christianity, Vol. 13, No. 2, 151- 157.
21. Simpson, J. A., Feltcher, G. J. O. & Campell, L. (2001). **"The structure and function of ideal standards in close relationships".** Blackwell handbook on social psychology: international processes (pp.86- 106).
22. Skinner, A. C. R. (1974). **"Boudaries"**. Social work today. 5, 290- 294.
23. Sprecher, S. & metts, S. (1989). **"Development of romantic beliefs scale and examination of the effects of gender and gender- role orientation."** Journal of social and personal relationship. 6, 387- 411.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع
References

24. Sprecher, S., & metts, S. (1999). **"Romantic beliefs: Their influence on relationship and patterns of change over time."** Journal of social and personal relationship. 16, 834- 851.
25. Trenholm, s. & Jensen, A. (1996). **"Interpersonal communication".** New York: Wadsworth Publishing Company.
26. Vangelisti, A. L. &Alexander, A. L. (2002). **"Coping with disappointment in marriage: when partners standards are unmet".** (pp. 201- 227). New York: Cambridge University Press.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]